

واکاوی مختصات تلفیق عاملیت نوجوانان و فناوری

با توجه به خانگی شدن ICTs^۱

سهیلا صادقی فسایی* ، ایمان عرفان منش**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۶

چکیده

بر اساس تغییرات اجتماعی-فناورانه شهر اطلاعاتی تهران، خانگی شدن فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی سبب شده است تا ایده هم‌زیستی انسان و فناوری در ابعادی از سطوح شناختی تا کنشی تسهیل شود. در این میان، عوامل اجتماعی نوجوان از سطح انطباق‌پذیری بیشتری با فناوری‌های جدید در بُعد کنش‌های روزمره برخوردارند؛ تا جایی که تشدید وابستگی به فناوری‌های به‌روز، زمینه ادغام عاملیت انسان و فناوری را فراهم می‌آورد. در این مقاله، نویسندگان تلاش کرده‌اند تا برخی از جنبه‌های زندگی خانوادگی مرتبط با مسئله یادشده را بر طبق نگرش نوجوانان (نسل جدید) و نیز مادران و پدران تحلیل کنند. پس از برآورد آمایشی اطلس

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری و مورد حمایت INSF است.

* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). ssadeghi@ut.ac.ir

** دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی از دانشگاه تهران. iman.erfanmanesh@gmail.com

کلان‌شهر تهران، با توجه به نمونه‌گیری هدفمند و تیپیک و با اتخاذ روش مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۲۰ نوجوان و ۲۰ نفر از مادران و پدران مصاحبه شد. رویکرد نظری منطبق بر دوگانه ساختار-عاملیت برای انسان و فناوری بوده و از تحلیل کدگذاری چند-مرحله‌ای و سنخ‌یابی استفاده شده است. در مجموع، نتایج نشان می‌دهند که طیفی از نگرش‌های متعدد میان نوجوانان و والدین مانند سه‌گانه تکنیک‌گرایان، محافظه‌کاران و انسان‌گرایان قابل احصاست. یکی از مضامین کلیدی در تحلیل مسئله و امکان تلفیق عاملیت عبارت از ایده «فناوری به مثابه منبع قدرت» برای نوجوانان است. از این رو، نوعی «انسان‌شناسی جدید» در فهم کنش نوجوانان به دلیل اتصال به ابزارها و فناوری‌های جدید شکل می‌گیرد که بر سطحی از ادغام کنشگر با فناوری‌های نوظهور دلالت دارد. در این چشم‌انداز، توجه به مفهوم «نمایش قدرت» حائز اهمیت است.

واژه‌های کلیدی: عاملیت، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، نوجوان،

والدین، خانواده.

۱- طرح مسئله

مسئله محور شدن پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و رویکرد چرخش فرهنگی سبب تمرکز بر پدیده تکرر منابع در ساخت اجتماعی و کنش‌های روزمره عاملان اجتماعی شده است. در میان تغییرات اجتماعی-فناورانه جدید در نهاد خانواده ایرانی، می‌توان به مسئله «خانگی شدن فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید» اشاره کرد. این فناوری‌ها مناسبات کنش اعضای خانواده را متأثر کرده و چشم‌انداز نوینی از مسائل و پدیده‌ها را فراهم آورده‌اند. با توجه به اقتضای پذیراتر و گشوده‌تر بودن نسل‌های جدیدتر در مواجهه با تغییرات اجتماعی-فناورانه، آن‌ها نوعی از زندگی روزانه با فناوری‌ها را تجربه می‌کنند که درکی خاص از جنبه‌های زندگی خانوادگی را نیز به دنبال دارد. فناوری دیگر صرفاً یک شیء یا ابزار مصنوع و بشر ساخته نیست، بلکه علاوه بر

کارکردها یا پیامدهای آشکار و پنهان اجتماعی و فرهنگی، ابزاری هویت‌ساز است. هوشمند شدن برخی از ابزارهای روزمره در محیط خانه، به‌ویژه تلفن همراه هوشمند، رایانه، لپ‌تاپ، تبلت، کنسول‌های بازی پیشرفته و همچنین، فناوری‌های اینترنت محور، بیش‌ازپیش ایده تلفیق کنشگری انسان و فناوری را شایسته واکاوی و سنخ‌یابی کرده است.

اساساً یکی از اولین و مهم‌ترین بسترها برای ایده تلفیق عاملیت، بستر^۱ خانه است که مجال پیوند کنشگری در آن شکل‌گرفته، محدود شده یا کنترل می‌شود. بر همین مبنا، این پژوهش سعی دارد مسئله یادشده را از دریچه مناسبات کنش والد-فرزندی جست‌وجو و شناسایی کند. در میدان فعالیت‌های اجتماعی، فناوری به‌منزله یک منبع برای کنش عمل می‌کند. محدود یا تقویت کردن شرایط کنش یکی از پیامدهای فناوری است. مهارت و توانایی فناورانه فرزندان و والدین، به‌طور بالقوه، سهم‌شان را در کنشگری تغییر می‌دهد. تبدیل شدن وسایل هوشمند و اینترنت-محور به لوازم شخصی، سبب خلق تصورات، عادات کنشی و وابستگی‌هایی جدید می‌شود. امروزه، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بخشی از زندگی روزمره نوجوانان را تشکیل می‌دهند که نوعی هم‌زیستی میان انسان و فناوری را نشان می‌دهند. گرایش به چنین فناوری‌هایی اهداف متفاوتی از سرگرمی تا فنی و علمی را در برمی‌گیرد. وسایل جدید جزء جدایی‌ناپذیر زندگی برای طیفی از کنشگران محسوب می‌شوند. بر همین اساس، ضروری است مطالعه جامعه‌شناختی شرایط جدید، مبتنی بر پژوهشی میدانی و غور در آراء و افکار فرزندان نوجوان و والدین باشد تا این ایده روشن شود که سطوح و ابعاد کلی مکانیزم کنش از منظر آن‌ها چگونه نگریسته می‌شود. کشف باورها، احساسات، انتظارات، تجربیات، الگوهای واکنشی و هنجارهای جدید نیازمند تمرکز بر اظهارات کنشگران درگیر با مسئله است.

به‌طورکلی، ارتباطات تلفن همراه و قدرت رایانه ازجمله مهم‌ترین شاخص‌های قرن بیست و یکم است که قدرت اطلاعات را غیرمتمرکز و پخش نموده است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۳۶). از نظر مانوئل کاستلز^۱، اینترنت به‌عنوان یک میدان الکترونیک گسترش یافته و از «جامعه هم‌کنشی» خبر می‌دهد؛ گو این که دسترسی به اینترنت و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی «حق شهروندی» در عصر اطلاعات است (وبستر، ۱۳۹۰: ۲۰۶). علاوه بر ارتباطات اجتماعی، سایر ابعاد زندگی اجتماعی مانند: ساختارها، نهادها، ارزش‌ها، الگوهای رفتار و کنش اجتماعی، زبان و احساسات متأثر شده است (Castells & et al, 2007). کسانی که تحولات ارتباطی جدید را پذیرفته‌اند، در سطح کنش اجتماعی فعالانه‌تر عمل می‌کنند (میدوز، ۱۳۸۳: ۱۲۰). با توجه به نقش رایانه‌ها، مفهوم و نوع مشارکت اجتماعی و کنش‌های متقابل اجتماعی تغییر کرده است (محسنی، ۱۳۸۰: ۱۲۶).

مفهوم «کودک مجازی»^۲ به موقعیت و تجربه‌ای اشاره دارد که به‌واسطه پیدایش فناوری‌های جدید کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر خود قرار داده است. کودک مجازی که گاه از آن با تعبیر مشابهی نظیر «کودک الکترونیکی» یا «نسل دیجیتال» نیز یاد می‌شود، نسلی از نوجوانان محسوب می‌شوند که به دلیل آشنایی و استفاده زیاد از فناوری‌های دیجیتال، تجربه جدیدی از هویت‌یابی و ارتباط با خویش و اجتماع پیرامون دارند (Allison, 2013; Livingstone, 2002; Prensky, 2001)؛ تا جایی که از این نوجوانان با عنوان «کارآگاه گجت‌های جدید» یاد می‌شود (عرفان منش، ۱۳۹۶). از منظری خوش‌بینانه، مجاورت نوجوانان با فناوری‌ها عاملی برای رشد و ایجاد فرصت‌های بیشتر در جهت خود-ابرازی و مشارکت و رشد خلاقیت‌های آن‌ها تلقی می‌شود. آزادی، قدرت‌بخشی و اعطای فرصت‌های متنوع، برای مشارکت نوجوانانی که در شرایط دیگر فرصت واقعی پیدا نمی‌کنند، را دستاورد فناوری‌های ارتباطی می‌دانند و

1. M. Castells

2. Cyber-Kid

تجربه آن‌ها را عاملی برای رهایی از مرزهای محدودکننده متعارف اجتماعی در بسیاری از ساختارها و نیز فراهم سازنده یک فضای فرهنگی جدید می‌انگارند (ذکایی، ۱۳۸۶: ۱۳۸).

بنابراین، تغییرات در منبع، فرآیند و پیامدهای کنش میان والدین و فرزندان متأثر از تحولات اجتماعی-فناورانه بوده است که مسئله کانونی مقاله را تشکیل می‌دهد.

۲- هدف و سؤال اصلی

با رواج فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید بین نوجوانان ایرانی، خانواده مواجهه جدیدی از تغییرات را تجربه می‌کند. فناوری به مثابه پدیده‌ای در قلمرو جامعه و فرهنگ، مناسبات عاملیت، قدرت و کنش را متأثر کرده است. حال، این که وابستگی‌ها، تأثیرات و تغییرات اجتماعی-فناورانه در چه جهت و با چه کیفیتی در جریان است، نیازمند پژوهش برای واکاوی مضامین جدید، سنخ‌یابی و تحلیل خواهد بود.

سؤال اصلی عبارت است از: چه نگرشی به پدیده قدرت یا تضعیف کنشگری با توجه به فرآیند خانگی شدن فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی میان نوجوانان و والدین وجود دارد و به لحاظ جامعه‌شناختی، چگونه قابل تحلیل و سنخ‌یابی است؟

۳- پیشینه پژوهش

منتظر قائم و شاقاسمی (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان می‌دهند که فناوری اینترنت در بین جوانان ایرانی رشد روزافزونی داشته و توانسته است سرمایه اجتماعی جوانان را تقویت نماید. نسل جوان ایرانی در این مطالعه شبیه به نسل Y در آمریکا معرفی شده که دارای خصلت‌هایی از جمله استفاده از اینترنت، تغییرپذیری، ناهمسازی سیاسی و مسئولیت اجتماعی هستند. بخش قابل توجهی از اوقات فراغت و هویت جوانان نیز تحت تأثیر اینترنت قرار دارد.

ذکایی و ولی زاده (۱۳۸۸) با استفاده از نظریه‌های برساخت اجتماعی و کسب لذت به بررسی جامعه‌شناختی تلفن همراه پرداخته‌اند. در این پژوهش، این موضوع که تلفن همراه به فردیت نوجوانان کمک کرده و به آن‌ها قدرت لازم برای کسب استقلال را می‌دهد، تأیید شده است؛ تلفن همراه نوعی آزادی بیشتر را برای نوجوانان در ارتباط با والدین‌شان فراهم کرده است.

بیات و شهابی (۱۳۹۱) با بهره‌گیری از نظریه رضایت‌مندی و خشنودی در استفاده از اینترنت، انگیزه‌های اجتماعی و فردی جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله را مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از دلایل استفاده کاربران جوان از فضای مجازی (فعالیت در گروه‌های اجتماعی)، نیازهای انسجام بخش شخصی و اجتماعی معرفی شده که بر این اساس، کسب آزادی و استقلال نسبت به کنترل والدین در مرکز توجه بوده است. همچنین، توانمند کردن عاملیت فردی از مهم‌ترین دلایل اجتماعی برای استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی معرفی شده است.

چوی^۱ و رز^۲ (۲۰۰۶) با استعانت از رویکرد فوکویی به مقوله قدرت، تصریح کرده‌اند که به‌واسطه مهارت نسل جوان در استفاده از فناوری‌های جدید، سلسله‌مراتب قدرت نه‌تنها در خانواده و بلکه در جامعه تغییر کرده است. اکنون، قدرت یافتن جوان و همالان او فرصت عمل کردن در یا ساختن جهان اجتماعی را فراهم آورده است. آن‌ها با جست‌وجوی بیشتر برای یافتن اطلاعات تلاش می‌کنند تا موقعیت جدید خود را در موضع قدرت حفظ کرده یا ارتقا دهند.

باکینگهام^۳ (۲۰۰۸) به تحلیل ابعاد گوناگون رابطه نوجوانان و جوانان با فضای مجازی پرداخته است. از نظر او، قدرت فردی در حال شکل‌گیری ناشی از رسانه‌های دیجیتال در مناسبات اجتماعی نوجوانان در محیط خانواده و عرصه عمومی تأثیرگذار

1. Y. S. Choi
2. L. Ross
3. D. Buckingham

بوده است. در این میان، اقتدار والدین در مواجهه با قدرت نوجوانان قرار گرفته و ساختار روابط قدرت در خانواده نیز تغییر کرده است. افزایش آزادی و قدرت انتخاب یکی از دستاوردهای رسانه‌های دیجیتالی برای نوجوانان است.

هرتلین^۱ (۲۰۱۲) به معرفی مدلی ترکیبی برآمده از سه رویکرد در تحلیل رابطه فناوری و روابط در خانه پرداخته است: رویکرد بوم‌شناسی خانواده، رویکرد کارکردی-ساختاری و رویکرد سازنده‌گرایی-کنش متقابل. با توجه به این مدل ترکیبی، فناوری قادر است تا قواعد روابط، نقش‌ها و مرزهای نقش‌ها در خانواده را بازتعریف نماید. یکی از ابعادی که در خانواده تحت تأثیر فناوری قرار می‌گیرد، سلسله‌مراتب و قدرت در بین اعضاست.

جمع‌بندی پیشینه: عمده پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند تا بسترهای تغییرات در سهم کنشگری نوجوانان در محیط خانه را تأیید کنند. بنابراین، صورت‌بندی کلی مسئله درباره تأثیر بر مکانیزم خلق کنش به‌طور ضمنی آشکار می‌شود. این مقاله سهم نظری خود را در سنخ‌یابی و تحلیل پدیده مناسبات کنشی فرد با فناوری‌ها در بستر مناسبات والد-فرزندی قرار می‌دهد.

۴- مبانی نظری و پیش‌تحلیلی

۴-۱- فناوری اجتماعی: از چشم‌انداز استعلایی تا مادی

فناوری از این نظر که چگونگی انجام امور توسط افراد را تعریف (و نه تعیین) می‌کند، اجتماعی است. پس، قدرت دگرگون‌سازی اجتماعی فناوری در وهله اول از طریق ایجاد یا بستن فرصت‌ها برای انسان به جریان می‌افتد (داتن، ۱۳۸۴: ۲۹). از نظر جریس هنسون^۲ و اوما نارولا^۳، مفهوم «فناوری اجتماعی» به معنای ادغام جنبه اجتماعی فناوری

1. K. M. Hertlein
2. J. Hanson
3. U. Narula

در شیوه زندگی افراد و نظام اجتماعی است. فناوری اجتماعی به گونه‌ای عمل می‌کند که در کنش‌های متقابل افراد به تغییرات اجتناب‌ناپذیر منجر می‌شود. فناوری اجتماعی به موضوعاتی از جمله تأثیر فناوری بر کیفیت زندگی، روابط و فعالیت‌های خانوادگی، جنسیت، آگاهی، اوقات فراغت و تغییرات در منافع، مشارکت و کنترل اشاره دارد (هنسون و نارولا، ۱۳۸۱: ۲۸-۲۵). ژان لادریر^۱ معتقد است ورود فناوری به زندگی اجتماعی به ساختار زدایی یا ساختاریابی مجدد می‌انجامد (لادریر، ۱۳۸۰: ۸۴). با ظهور فناوری، چشم‌اندازی از دگرگون‌سازی تدریجی در شرایط کنش شکل می‌گیرد (همان: ۱۲۱).

بر اساس پارادایم دو وجهی فناوری، به متغیرهای انتخاب، کنش و سوژگی انسان‌ها در مواجهه با فناوری‌ها توجه می‌شود. بسیاری از نظریات جامعه اطلاعاتی در این پارادایم قرار دارند (بهرامی کمیل، ۱۳۹۱: ۳۷). نوربرت واینر^۲ دو موضع نظری را درباره جهان‌بینی جدید اطلاعاتی متمایز می‌کند (برتون، ۱۳۸۲: ۵۳): اول، تأمل درباره ماهیت انسان که تا اتخاذ موضع‌گیری‌های نظری ضد انسان‌گرایی ادامه می‌یابد؛ دوم، جامعه سایبرنتیک به‌منزله جامعه‌ای ایده‌آل تلقی می‌شود.

از نظر مارتین هایدگر^۳، ماهیت فناوری نوین به انضباط در آوردن انسان و طبیعت است، زیرا فناوری اختصاصات و فرهنگ خود را بر محیط اجتماعی و طبیعی تحکم می‌بخشد (Flores, 1998). همچنین، نظریه‌پردازانی مانند مارشال مک‌لوهان^۴، ژان کلوتیه^۵، دیوید رایزمن^۶ و هارولد اینیس^۷ دارای رویکردی هستند که بر طبق آن، فناوری متغیر مستقلی است که شرایط زندگی افراد و جامعه را دگرگون می‌سازد

-
1. J. Iadriere
 2. N. Wiener
 3. M. Heidegger
 4. M. McLuhan
 5. J. Cloutier
 6. D. Riesman
 7. H. Innis

(بهرامی کمیل، ۱۳۹۱: ۳۰). به طرز صریح‌تر و شفاف‌تر، فیلیپ برتون^۱ از «آیین اینترنت» به‌عنوان پدیدآورنده نوعی اجتماع و انسان جدید در عصر اطلاعات سخن می‌گوید که بیانگر تغییر موضع هستی‌شناسانه‌ای است که اینترنت به‌طور بالقوه می‌تواند نگرش‌ها نسبت به انسان و جامعه را دگرگون سازد. در این میان، جوانان مخاطب و حاملان اصلی چنین ایده‌ای تلقی می‌شوند (برتون، ۱۳۸۲: ۱۷-۱۱؛ ۱۱۷).

ریموند ویلیامز^۲ رهیافت جبرگرایانه که مدعی قدرت مستقل فناوری‌ها برای خلق جوامع جدید با شرایط انسانی جدید است، را نقد می‌کند. او به‌جای تأکید بر فناوری به‌عنوان علت تحولات، بر علل ابداع و اختراع فنی تأکید می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، توسعه ابزارها و اشکال ارتباطی جدید معلول فشارها یا الزامات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند (Williams, 1983). درباره فناوری‌های نوین به‌ویژه اینترنت نیز دیدگاه‌های گوناگونی در جریان بوده است. در مجموع، مواضع نظری نسبت به گسترش اینترنت در جامعه جدید سه گروه را شامل می‌شود (برتون، ۱۳۸۲: ۲۹-۲۲):

(۱) **طرفداران اینترنت مطلق:** آن‌ها سعی دارند اینترنت را در تمام ابعاد زندگی خصوصی، عمومی و حرفه‌ای به کار گیرند. به‌زعم آن‌ها، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در زندگی کنونی مرکزیت دارند. این گروه که متأثر از آرای مارشال مک‌لوهان هستند، افرادی نظیر پیر لوی^۳ و فیلیپ کتو^۴ را شامل می‌شود. کتو معتقد است اینترنت در سطحی هستی‌شناسانه، تحولی متافیزیکی را به وجود خواهد آورد و زبان نقشی اساسی در جامعه اطلاعاتی ایفا خواهد کرد. مزایای تکنیکی، اقتصادی و سیاسی اینترنت در این رویکرد برجسته می‌شود.

-
1. Ph. Breton
 2. R. Williams
 3. P. Levy
 4. Ph. Queau

(۲) فن‌گریزان: مواضع این گروه عمدتاً به دلیل تبعات منفی و مخرب گسترش فناوری در جامعه معاصر است که ابعاد زندگی انسانی و فرا انسانی را تهدید می‌کند. ژاک الو^۱ و پل ویریلیو^۲ در این زمره‌اند.

(۳) موافقان کاربرد منطقی: این گروه بر جنبه ابزاری و شکلی^۳ فناوری تأکید کرده و تأثیرات بنیادین اجتماعی ناشی از تحولات انفورماتیک در جامعه معاصر را اغراق تلقی می‌کنند. ژاک آرساک^۴ و لوسین سفز^۵ دو نماینده اصلی این جریان محسوب می‌شوند. از نظر آن‌ها، باید به تنظیم، کنترل و نظارت بر اینترنت در عرصه‌های گوناگون زندگی اجتماعی اهتمام داشت.

۴-۲- کنش انسانی و فناوری: دامنه‌ای از جبر تا آزادی

در بین نظریات، می‌توان به خصیصه ساختاری فناوری و تغییرات فنی (تکنیکی) در جامعه اشاره کرد. از این منظر، کنش تحت تأثیر و در محدوده‌ای مشخص از محیط فناورانه اتفاق می‌افتد. بالتبع فناوری بخشی از ساختار جامعه را تشکیل داده و می‌تواند به تحدید یا تقویت کنش انسانی بینجامد. از نظر کارل مارکس^۶، فناوری در وسایل تولید وجود دارد و این وسایل، تعیین‌کننده ساختار اجتماعی، نهادها و روبناهاست. فناوری در نهایت، بر جامعه و انسان مسلط شده و عاملیت فرد را از او می‌گیرد (Cavanagh, 2007: 139-142; ریتزر، ۱۳۸۹: ۶۵-۵۵). لویس ممفورد^۷ نیز فناوری را همچون ساختاری می‌داند که نهایتاً تبدیل به عاملیت مستقل شده و عاملیت را از انسان می‌رباید (Mumford, 2010). ژاک الو با اتخاذ دیدگاهی انتقادی معتقد است که

-
1. J. Ellul
 2. P. Virilio
 3. Formal
 4. J. Arsac
 5. L. Sfez
 6. K. Marx
 7. L. Mumford

فناوری باعث تضعیف اختیار فرد شده و عاملیت را از انسان می‌گیرد (Ellul, 1964). در دهه ۱۹۹۰، پل ویریلیو به‌عنوان یک هایدگری چپ‌گرا بازتاب‌های اجتماعی کاربرد فناوری‌های کنترل از راه دور و سایبرنتیک در محیط شهری و همچنین، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید مانند اینترنت را به‌طور نقادانه واریسی کرد. او برای فناوری خصلت نابودکنندگی قائل بود و در مقابل، خواستار توجه به سوژه انسانی فارغ از سلطه فناورانه بود (Virilio & Kittler, 1999). از نظر او، گسترش روزافزون فناوری به ناپودی و انهدام ظرفیت‌های پدیدارشناسانه سوژه انسانی منجر می‌شود (استیونسن، ۱۳۸۴: ۸۰). وجه اشتراک مارکس، ممفورد، الول و ویریلیو در این است که تحمیل ساختاری فناوری بر کنش انسانی را مطرح کرده و برای فناوری، عاملیتی مستقل و خصلتی تحمیلی شونده بر اراده و کنش انسانی قائل شده‌اند. بنابراین، فناوری منبعی نیست که به قدرت کنش انسانی کمک کند.

در مقابل، برخی از نظریات هستند که فناوری را نوعی کنشگر معرفی می‌کنند. بر این اساس، فناوری‌ها به عاملیت انسان کمک و آن را تقویت می‌کنند. اساساً یکی از مضامین مندرج در نظریات رسانه‌های جدید، بحث پیرامون ارتباط اندام زیستی با رسانه‌های فناورانه است. به‌عبارت‌دیگر، چالش با تمایزهای پذیرفته‌شده بین انسان و چیزهای مصنوعی، طبیعت و فناوری، بدن و مصنوعات فناورانه و همچنین، واقعی و مجازی موضوعات مورد بحث هستند (Lister & et al, 2003: 12). نظریه‌پردازان نظریه کنشگر-شبکه معتقدند در دنیای امروز، کنشگران مشتمل بر انسان و فناوری هستند. آن‌ها دست‌به‌دست هم داده و کنش‌ها یا تعامل‌های معینی را تسهیل می‌کنند. از این منظر، بخشی از ماهیت فناوری‌ها در توانایی و قدرتی نهفته است که به کنش انسان اعطا می‌شود. چنین نگرشی در آرا و نظریات میشل کالن^۱ و برونو لاتور^۲ آشکار است

1. M. Callon
2. B. Latour

(Callon, 1986; Latour, 1999). همچنین، دونا هاراوی^۱ یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با موضوع فناوری و کنش یعنی «سایبرگ»^۲ را وضع کرده است. این مفهوم از تلفیق دو واژه سایبرنتیک و ارگانیسم ایجاد شده و دلالت بر انسان‌های سایبرنتیکی دارد. او استدلال می‌کند که در جامعه نوین کنونی، انسان و فناوری با یکدیگر عجین و تلفیق شده‌اند. به عبارت دیگر، فناوری به اعضا و اندام انسان متصل شده و او را تقویت می‌کند. به عنوان مثال، استفاده انسان از عینک به معنای عجین شدن چشم و عینک است (Haraway, 1991).

۵- ملاحظات روشی

بر اساس مستندات مندرج در اطلس کلان‌شهر تهران^۳ در سال ۱۳۸۵ که به طور جامع به پایش و رصد ویژگی‌های گوناگون شهری در مناطق پایتخت پرداخته بود، این اطلاعات توسط پژوهشگران با آمارنامه شهر تهران^۴ در سال ۱۳۹۳ تطبیق داده شد و در مجموع، با در نظر گرفتن سطح کیفیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مناطق شهری، از میان مناطق شهر تهران (به عنوان یک شهر اطلاعاتی) سه منطقه ۳، ۶ و ۱۱ انتخاب گردید. منطق نمونه‌گیری هدفمند، تیپیک، مبتنی بر ملاک، نظری و تدریجی بوده است و معیار «اشباع» برای بسندگی در جمع‌آوری داده‌ها لحاظ شده است.

پدران و مادران و همچنین، نوجوانان متولد اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ (یعنی بازه سنی ۱۸-۱۳ ساله) کنشگران درگیر با موضوع هستند. مجموعاً با ۱۲۰ نوجوان (دختر و پسر) و ۲۰ نفر از مادران/پدران مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شد (از مهر ۹۵ تا فروردین ۹۶). در مصاحبه‌ها، انواع سؤالات تجربی، احساسی، دانشی و آرمانی در طراحی پرسش‌های مصاحبه دخیل بودند.

1. D. Haraway

2. Cyborg

3. <http://atlas.tehran.ir>

4. <http://tmicto.tehran.ir/Portals/0/Document/Amarname/AmarShahr93/index.html>

با استعانت از نظر کری دالی^۱، پژوهش‌های میدانی و انضمامی در بُعد تکنیکی، همواره از دو سنت نظری قوی بهره‌مند شده‌اند:

الف) کنش متقابل نمادین: مکتب شیکاگو «خود» را محصولی اجتماعی می‌داند و زبان را وسیله‌ای برای معاشرت انسان و فهم زندگی اجتماعی او معرفی می‌کند. در دنیای اجتماعی، نمادها، تعاملات و روابط میان-فردی در خلق کنش اجتماعی سهیم هستند و تعریف از موقعیت، تفسیر و معنای حاصل از آن مجموعاً واقعیت اجتماعی پیچیده و در حال تغییر را به شکلی فرآیندی می‌سازد (Daly, 2007: 101-102). از این‌رو، به لحاظ تکنیکی توصیه می‌شود که مطلوب‌ترین راه، نزدیک شدن به دنیای ذهنی کنشگران است. بنابراین، توصیه‌های تکنیکی عبارت‌اند از: شناسایی طرفین یا طرف‌های درگیر با موضوع پژوهش، نزدیک شدن به کنشگران و مصاحبه با آن‌ها.

ب) پدیدارشناسی (به معنای عام): جهان زیسته و تجربه زیسته به همراه موجودیت بامعنای انسان، ارکان تکنیکی پدیدارشناسی به معنای عام آن را بر می‌سازند. در پژوهش‌های انضمامی از یک‌سو، سنت پژوهشی پدیدارشناسانه به معنای خاص وجود دارد و از سوی دیگر، توصیه‌های پدیدارشناسانه در بُعد تکنیکی به معنای عام قابل‌شناسایی است. رویکرد پژوهشی پدیدارشناسانه توصیفی، انعکاسی و تفسیری بوده و به شیوه فرآیندی به مطالعه می‌پردازد (ibid: 95-97). مهم‌ترین توصیه‌های تکنیکی عبارت‌اند از: پژوهش مبتنی بر وجه انضمامی، فراتر رفتن از سطح توصیف به سمت تبیین تفسیری، تعلیق پیش‌داوری‌ها، اهمیت دادن به تجربه کنشگران، انجام مصاحبه و گره خوردن ذهنیت‌ها به تجربه افراد.

در پرتوی توصیه‌های تکنیکی یادشده، پاسخ به سؤال و هدف این پژوهش دنبال می‌شود. همچنین، از وجوه تکنیکی سنت پژوهشی نظریه‌مبنایی، با عنایت به خصلت اکتشافی آن، الهام گرفته شده است. همان‌گونه که جولیت کرین^۲ اشاره کرده، از نظریه

1. K. J. Daly
2. J. Corbin

مبنایی می‌توان به دو شیوه بهره گرفت: اول، اتخاذ نظریه مبنایی از ابتدا تا انتهای پژوهش برای نیل به نظریه و دوم، الهام گرفتن از تکنیک‌های جمع‌آوری، نمونه‌گیری نظری، شیوه‌های کدگذاری سه‌گانه برای سایر پژوهش‌های کیفی. در هر دو شیوه، پژوهشگر دائماً میان تفکر استقرایی (ایجاد مفاهیم، مقولات و روابط بین آن‌ها) و تفکر قیاسی (آزمون مفاهیم، مقولات و روابط بین آن‌ها) در رفت‌وبرگشت است (استروس و کریبن، ۱۳۹۲: ۴۳). همچنین، دو رکن مهم عبارت از پرسش و مقایسه خواهند بود (همان: ۹۵). مقایسه مداوم سبب کشف الگوها، مضامین و تولید فکر می‌شود. اساساً، توصیف سطح بالا و نظم دهی مفهومی در کار تولید دانش واجد ضرورت و اهمیت است (همان: ۱۸). این پژوهش به دنبال طی کردن مسیری از توصیف، به تحلیل و تفسیر بوده است. تناسب میان نظام ارتباطاتی جدید با کاربران خود-انگیخته یکی از دلایل استفاده از روش کیفی است تا بتوان انگیزه‌های کنش را کشف کرد (Bakardjieva, 2005: 6).

عمومی‌ترین تکنیک و شیوه مرسوم برای نظم دهی به داده‌ها «کدگذاری» است. این فرآیند که به معنای تبدیل داده‌های خام آشکار یا پنهان به اطلاعات در قالب مقوله‌هاست، مبتنی بر اصل مقایسه در جهت انکشاف شباهت‌ها (یا هم‌گرایی‌ها) و تفاوت‌ها (یا واگرایی) است. شبکه‌ای از تفسیرهای پراکنده و در مقیاس کوچک، به تدریج به معنادار شدن داده‌ها در قالب هیئت کلان، منسجم و به هم فشرده تبدیل می‌شود و انگیزه‌هایی برای تفکر نقادانه را نیز فراهم می‌آورد. سپس، الگویابی انجام می‌گیرد. مقصود از الگویابی پیگیری خلاقانه فرآیند مقایسه، چینش و تلاقی مجدد داده‌ها در مرحله تحلیلی پیش است. اتصال کامل‌تر میان مقوله‌ها به شکل شبکه‌ای متراکم‌تر از نسبت‌ها دنبال خواهد شد. به عبارت دیگر، یک زنجیره از اعمال به زنجیره دیگر گره می‌خورد.

۶- یافته‌ها

در پرتو بینش حاصل از مبانی نظری، پژوهشگران برخی از مهم‌ترین مضامین مرتبط با ایده تلفیق عاملیت فناوری و انسان را در قالب سؤالاتی کلی و غیر جهت‌دار طراحی کردند. این مضامین به محورهایی همچون کنش، ساختار، تفاوت‌های نسلی، مقوله زبان، قدرت، پیش‌بینی نسل آینده و وابستگی به فناوری مربوط بودند. در این بخش نتیجه مهم‌ترین یافته‌ها پس از طی مراحل کدگذاری و تحلیل‌های اولیه به تفکیک روایت نوجوانان و والدین ارائه می‌شود.

جدول ۱- محورهای اکتشافی یافته‌ها در روایت‌های کنشگران

سه‌گانه تکنیک‌گرایان، محافظه‌کاران و انسان‌گرایان	سنخ یابی روایت نوجوانان
نسل پیشرفته؛ پدیده ابر ویژگی؛ قدرت کارشناسی؛ مقوله زبان	
چشم‌انداز فهم عامه از فناوری و ویژگی‌های نسل بعد	
سه‌گانه محافظه‌کاران، منفعت‌طلبان، افراط‌گرایان؛ فناوری به‌مثابه عضو ثانوی از بدن؛ پدیده خودکشی نمادین	سنخ یابی روایت والدین
برآمدن کنش کنترل‌گریز؛ ظهور نسل فناورانه؛ مقوله سلاح زبان	
چشم‌انداز از فناوری و پیش‌بینی ویژگی‌های نسل بعد؛ پدیده ظهور نسلی همانند ربات‌ها	
سه‌گانه واقع‌بینان، بدبینان، خوش‌بینان؛ فناوری به‌منزله خوراک و عنصری از خون؛ پدیده جنون و خودکشی نمادین	

با توجه به یکسان بودن محور چشم‌انداز از ویژگی‌های نسل بعد در میان دو گروه نوجوانان و والدین و با عنایت به ملاحظات مربوط به حجم مقاله، صرفاً در همین مورد، جداول تحلیلی مربوط به مراحل تقلیل داده‌ها ارائه می‌شود.

۶-۱- سنخ‌یابی روایت نوجوانان

۶-۱-۱- سه‌گانه تکنیک‌گرایان، محافظه‌کاران و انسان‌گرایان

برخی از نوجوانان اذعان دارند که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید واجد قدرتی مستتر در خود هستند که بی‌اختیار آن‌ها را به سمت خود جذب و هدایت می‌کند. این جذب و هدایت هم بر کنش‌ها و هم بر افکار تأثیر می‌گذارد؛ تا جایی که می‌توان برای فناوری خصلت تعیین‌کنندگی در نظر گرفت. بنابراین، تسخیر ذهن یا در اختیار گرفته‌شدن توسط فناوری‌ها باعث می‌شود تا کنترل رفتار شکل بگیرد. این «تکنیک‌گرایان»، نگرشی افراطی و جبرگرایانه‌ای را دنبال می‌کنند.

دسته دیگر بر این باورند که انسان بیش از این که بر فناوری‌ها تأثیر بگذارد، از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد؛ گو این که کنترل کردن فناوری‌ها نوعی توهم تلقی می‌شود. به عبارت دیگر، بخش قابل‌توجهی از هویت و تمایلات فرد بر اساس فناوری‌ها تعریف می‌شود. دلایل این طرز تلقی هم جنبه اجتماعی و هم جنبه فردی دارد. زندگی اجتماعی انسان‌ها به فناوری گره خورده است و همگان به آن وابسته شده‌اند. در این شرایط، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بسان یکی از ابزارهای ضروری برای زندگی نوجوانان رخ می‌نماید که به تدریج جای خود را در مناسبات زندگی شخصی‌شان باز می‌کند. در مجموع، نگرش «محافظه‌کارانه» آن‌ها نوعی بی‌مسئولیتی را نیز دامن می‌زند.

در مقابل تفکر فوق، دسته سوم؛ یعنی بخش قابل‌توجهی از نوجوانان بر این باورند که آگاهی و اراده افراد در مواجهه با فناوری‌های جدید نقش تعدیل‌کننده یا تحدیدکننده دارد. از این منظر، چگونگی استفاده از فناوری‌ها که مشروط به آموزش و یادگیری مهارت‌هاست، به شکلی از خودکنترلی منتج می‌شود. خودکنترلی نیز، هم به نحوه جامعه‌پذیری و هم به خصوصیات شخصیتی مربوط است. فناوری به منزله ابزاری تلقی می‌شود که نحوه تعامل و مواجهه با آن در اختیار انسان‌هاست. این موضع، یادآور نگرش «انسان‌گرایی» در نقطه مقابل جبرگرایی است و آن دیدگاه را به سبب قائل شدن

به بی‌ثباتی شخصیت افراد و احاله بی‌مسئولیتی انسان به ابزار نقد می‌کند و به چالش می‌کشد.

۶-۱-۲- نسل پیشرفته؛ پدیده ابر و ویژگی؛ قدرت کارشناسی؛ مقوله زبان

در مجموع، نوجوانان سه موضع در برابر تفاوت‌های نسلی میان خود با والدین‌شان را برجسته کرده‌اند که عبارت از «تفاوت به‌منزله مزیت» (کمال‌گرایان)، «تفاوت به‌منزله ضعف» (ضعیف‌انگاران) و «تفاوت به‌عنوان موضوعی اقتضایی و طبیعی» (عصری‌گرایان) است. تفاوت‌های مثبتی مانند باهوشی، داشتن آگاهی و مهارت فناورانه، سرعت ادراک و عمل یا سواد رسانه‌ای سبب شده است تا بعضی از نوجوانان خود را شخصیت‌هایی دارای ذهن بازتر و متکامل‌تر، باورهایی پیشرفته‌تر و خلاقانه، تفکری انتقادی و مقایسه‌ای و روشن‌اندیش تلقی کنند. این واژگان برای ایجاد تقابل با شخصیت‌های نسل والدین استفاده شده است و نوعی استراتژی تمایز گذاری برای نشان دادن نسل خود محسوب می‌شود. پیامد ظهور چنین نسلی، مهارت قوی‌تر در ارتباطات اجتماعی و جامعه‌پذیری زودتر خواهد بود که به تقویت مناسبات میان والدین با آن‌ها نیز کمک می‌کند. استعمال اصطلاح «نسل سوخته» در برابر «نسل پیشرفته» در همین راستا توسط یکی از نوجوانان بوده است.

«خوب، تو زمان ما الآن عصر تکنولوژی و تکنولوژی خیلی

پیشرفت کرده، زمان پدرای ما، مادرای ما، نسل سوخته بهشون

می‌گفتن.» (پسر، منطقه ۱۱)

زمینه‌هایی از جمله کشش درونی فناوری‌ها، همه‌جایی شدن آن‌ها و دسترس‌پذیری آسان به آن‌ها به تغییرات کلان جامعه بازمی‌گردد که تأثیرات آن بر نهاد خانواده بازتاب داشته است. گسترش نقش ساختاری و عاملیتی فناوری کلاً منفی تلقی نشده، بلکه امکاناتی را برای تسهیل روابط نوجوانان و خانواده پدید آورده است و

«سازنده» به حساب می‌آید. به عنوان مثال، قابلیت‌ها و توانایی‌های فرد را افزایش می‌دهد و نوجوان حس حمایت شدن را از فناوری کسب می‌کند. به باور یکی از نوجوانان، فناوری «حس آبر و ویژگی داشتن» را به آن‌ها اعطا می‌کند که به معنای توانایی انجام امور متعدد هم‌زمان است، از یک «قدرت هم‌افزایی» حکایت دارد.

«می‌تونم باهش کارای؛ یعنی میشه باهش کارای گوناگونی کرد...»

حالا بعضاً می‌تونه به حس مثبت بودن بده؛ یعنی به حالت آبر و ویژگیه...

انگار که این مثلاً بهش قدرت بیشتری میده.» (پسر، منطقه ۶)

مراجعه والدین، خویشاوندان یا همکاران والدین به نوجوانان برای حل مسئله‌ای فناورانه نشان‌دهنده نوعی «قدرت دانشی» و «قدرت پاداشی» است. پاداش کسب‌شده از این رابطه، پاداش مادی نیست، بلکه کسب «اعتبار و وجاهت اجتماعی» برای او محسوب می‌شود. برخی از مفاهیم به‌کاررفته در صحبت‌های نوجوانان عبارت از «دیکشنری، مهندس، مسئول فنی، قهرمان، استاد و مخترع بودن» است. این الفاظ دلالت بر حس برتری، غرور، قدرت، سربلندی، مفید بودن و الگو بودن دارند.

در اظهارات نوجوانان، این نکته تصریح شده است که داشتن مهارت زبان انگلیسی باعث دلگرمی، رفع بهتر مشکلات، استفاده بهتر، لذت بیشتر و درک بهتر نسبت به فناوری می‌شود. همچنین، به موازات افزایش مهارت انگلیسی، تمایل به استفاده از فناوری‌ها افزایش می‌یابد. دانستن کلیاتی از زبان به‌کاررفته در فناوری‌ها باعث ارتقای مهارت، حس قدرت استقلال، ایجاد تمایز با دیگری، قدرت عملکرد بهتر و ارتباط‌گیری بهتر می‌شود. بنابراین، زبان فناوری‌ها به تسهیل کنش نوجوانان کمک می‌کند. این موضوع دلالت بر ماهیت ساختاری فناوری دارد؛ ساختاری که «سازنده یا مقوم کنش» است.

۶-۱-۳- چشم‌انداز فهم عامه از فناوری و ویژگی‌های نسل بعد

درخواست از نوجوانان برای ترسیم و توصیف سیمایی از نسل بعدی با توجه به گسترش خانگی شدن فناوری‌های جدید، از دو جهت اهمیت داشت: اولاً، به نوجوانان

این قابلیت را داد تا ایده شخصی خود را درباره چشم‌انداز مسئله خانگی شدن بیان کنند؛ ثانیاً، این امکان را پدید می‌آورد تا خود را از دریچه دیگری (نسل مجاورشان) توصیف کنند. به عبارت دیگر، نسل بعد بهانه‌ای برای نوعی بازاندیشی و خودنگری باشد. گاهی نوجوانان تمایل ندارند تا مستقیماً از خود بگویند و دست‌آویز شدن به دیگری نوعی را مجرای برای بازتاب ایده خود برمی‌گزینند.

نوجوانان به چهار گروه «خوش‌بینان واقع‌گرا»، «خوش‌بینان ایده‌آل‌گرا»، «بدبینان واقع‌گرا» و «بدبینان غیر واقع‌گرا» تقسیم می‌شوند که گروه بدبینان، طرفداران بیشتری دارد. البته نگرش هم‌زمان به ویژگی‌های مثبت و منفی نیز وجود دارد، اما منتهی به یکی از حالات چهارگانه می‌شود.

گروه اول خصوصیتی مانند مهارت بهتر در زبان انگلیسی، مهارت فناوریانه بیشتر، اعتماد به نفس بیشتر، مستقل‌تر، رقابت‌جویی بیشتر و ریسک‌پذیرتر بودن را به نسل بعد نسبت داده‌اند. به این دلیل آن‌ها واقع‌گرا هستند که نشانه‌های آن خصوصیات در خود نوجوانان به‌وفور یافت شده است و فناوری بستر آن‌ها را بسیار هموار کرده است.

گروه دوم ویژگی‌هایی همچون عالم‌تر، دانش ریاضی بیشتر، پیشرفته‌تر، به لحاظ مالی موفق‌تر، باتجربه‌تر، روابط اجتماعی بهتر، آگاهی بیشتر از مسائل جامعه و مشاور والدین بودن را نام برده‌اند. هیچ‌یک از ویژگی‌های یادشده همراه با ادله روشن و قانع‌کننده نیست، به همین دلیل، آن‌ها ایده‌آل‌گرا محسوب می‌شوند.

گروه سوم خصایصی منفی مانند وابسته‌تر به فناوری، غرور کاذب بیشتر، پرخاشگرتر، پرتوقع‌تر، سوء استفاده‌کننده‌تر، دارای زبان فارسی غیررسمی‌تر، تک‌روی، مراجعه کم‌تر به والدین، تکبر نسبت به والدین، عواطف کم‌تر، نقض‌کننده برخی حریم‌ها و ضعف در آداب معاشرت را برای نسل بعد از خود برشمرده‌اند. شواهد تبعات یادشده در اظهارات نوجوانان برای خودشان ملاحظه شده‌اند.

گروه چهارم آسیب‌هایی همچون منزوی‌تر شدن، کم‌حرف شدن، داشتن آزادی بی‌حد و حصر، ذهن‌های دست‌کاری شده، ناتوانی در مدیریت زندگی شخصی، افسرده بودن، کم‌انگیزه شدن، بی‌اعتماد نسبت به والدین، تردید به داشته‌های دانشی والدین،

بی‌حرمت‌تر نسبت به والدین و کم‌عاطفه‌تر بودن را مطرح کرده‌اند. صفات یا ویژگی‌های منفی یادشده افراطی و نیازمند شواهد مُتقن پشتیبان است.

جدول ۲- کلیدی‌ترین مضامین و مفاهیم مندرج در اظهارات نوجوانان درباره پیش‌بینی

ویژگی‌های نسل بعدی با توجه به سرعت گسترش فناوری‌ها در خانواده

(واحد تقلیل: عبارت)

(۱) پیش‌بینی‌های معطوف به ویژگی‌های مثبت نسل بعدی
دارای علم بیشتر / مستقل‌تر / اتکای کم‌تر به والدین / افزایش آگاهی نسبت به جامعه / افزایش ارتباطات اجتماعی / افزایش روحیه رقابت / تقویت شدن زبان انگلیسی / مهارت بیشتر در فناوری‌ها / افزایش تجربیات / پیشرفته‌تر بودن / افزایش احتمال موفقیت مالی / تقویت روحیه خطاپذیری و پشتکار / تقویت شدن دانش ریاضی / دریافت کردن سریع پاسخ‌ها از طریق اینترنت / افزایش اعتمادبه‌نفس / تبدیل شدن به یک مشاور برای بزرگ‌ترها
(۲) پیش‌بینی‌های معطوف به ویژگی‌های منفی نسل بعدی
مراجعه کم‌تر به والدین / منزوی شدن / وابسته شدن شدید به فناوری‌ها / تضعیف روابط اجتماعی / رواج بی‌اعتمادی در خانواده / تردید نسبت به آگاهی‌های والدین / افزایش بی‌احترامی نسبت به والدین / تکبر داشتن در مقابل والدین / نقض‌کننده برخی حریم‌ها میان والدین و فرزندان / پرخاشگر شدن / برخورداری از آزادی بدون قیدوبند / ادعای داشتن معلومات / کم‌حرف شدن / درگیر شدن بیشتر با تبعات فناوری / دارای ذهن‌های دست‌کاری شده / افزایش توقعات / ناتوانی در مدیریت زندگی شخصی / ضعف در آداب معاشرت اجتماعی / کاسته شدن از انگیزه‌ها / تضعیف عواطف میان والدین و فرزندان / تضعیف مهارت کلامی و تغییر زبان / روحیه تکروی و غرور / افسرده و غمگین شدن
(۳) پیش‌بینی‌های معطوف به ویژگی‌های دوپهلوی
اعتمادبه‌نفس متمایل به غرور / کسب علم بیشتر برای اهداف مثبت و منفی / افزایش آگاهی زودهنگام نسبت به برخی موضوعات / استفاده از هوش بیشترشان برای در اختیار گرفتن اراده افراد تنبل
(۴) دیدگاه‌های کلی نسبت به آینده تغییرات
تضعیف شدن کل خانواده / تأثیرات افزایشی فناوری بر نسل‌ها / اهمیت نقش کنترلی والدین / تکرار شدن جذابیت فناوری برای سنین پایین‌تر تا بزرگ‌ترها / دلزده شدن از فناوری و تغییر روند / تبدیل شدن فناوری به حق و ضرورتی مسلم برای فرزندان / بی‌تدبیری والدین نسبت به آشنا کردن فرزند با فناوری

جدول ۳- مقوله‌بندی اظهارات نوجوانان درباره پیش‌بینی ویژگی‌های نسل بعدی با توجه به سرعت گسترش فناوری‌ها در خانواده

مضمین کلیدی	مقوله
علم بیشتر / مهارت زبان انگلیسی / مهارت فن‌آورانه / باتجربگی / پیشرفته‌تر / موفقیت مالی / دانش بیشتر ریاضی / جست‌وجوی سریع پاسخ‌ها	قدرت معطوف به دانایی و مهارت
روحیه رقابت / خط‌پذیری و پشتکار / اعتمادبه‌نفس	قدرت معطوف به ریسک‌پذیری
مستقل‌تر / اتکای کم‌تر به والدین	ویژگی‌های مرتبط با فردگرایی
آگاهی نسبت به جامعه / افزایش ارتباطات اجتماعی / مشاور برای بزرگ‌ترها	توصیفات مرتبط با اجتماعی‌تر شدن
منزوی شدن / وابستگی به فناوری‌ها / پرخاشگری / آزادی بدون قیدوبند / غرور کاذب / ذهن دست‌کاری شده / پُر توقع / ناتوان در مدیریت زندگی / کم‌انگیزه / تضعیف مهارت کلامی / تغییر زبان / تکروی / افسرده و غمگین	هزینه‌ها و تبعات فردی
مراجعه کم‌تر به والدین / بی‌اعتمادی در خانواده / تردید به آگاهی والدین / بی‌احترامی به والدین / تکبر در مقابل والدین / نقض‌کننده برخی حریم‌ها / تضعیف عواطف	هزینه‌ها و تبعات خانوادگی
تضعیف روابط اجتماعی / کم‌حرف شدن / ضعف آداب معاشرت / سوءاستفاده از موقعیت‌ها، داشته‌ها و دیگران	هزینه‌ها و تبعات اجتماعی
تضعیف شدن خانواده / تأثیرات افزایشی فناوری / جذابیت فناوری / تبدیل شدن فناوری به حق فردی و ضرورت زندگی / نقش والدین در تمایل فرزند به فناوری	عوامل تقویت‌کننده شرایط
نقش کنترلی والدین / دل‌زده شدن از فناوری	عوامل تضعیف‌کننده شرایط

۶-۱-۴- سه‌گانه محافظه‌کاران، منفعت‌طلبان، افراط‌گرایان: فناوری به مثابه

عضو ثانوی از بدن؛ پدیده خودکشی نمادین

یکی از کلیدی‌ترین مضامین مربوط به رابطه والدین، فرزندان و مکانیزم کنش، مسئله وابستگی به فناوری‌هاست. طیف مواضع نوجوانان در قبال تصور زندگی بدون فناوری در سه گروه عمده قرار می‌گیرد: اول، کسانی که زندگی را نشدنی می‌پندارند. دوم، کسانی که پس از طی مقطعی کوتاه‌مدت ممکن است با مسئله کنار بیایند. سوم، کسانی که آن زندگی را امکان‌پذیر می‌دانند. عمده نوجوانان در گروه اول و دوم جای دارند.

دلایل وابستگی و عدم تصور زندگی بدون فناوری بسیار گسترده اظهار شده است. دسته‌ای از دلایل به تنگناها یا محدودیت‌های زمینه‌ای و ساختاری مربوط هستند. عجز شدن با زندگی، اقتضائات آپارتمان‌نشینی، تبدیل شدن به یک ضرورت، عادت کردن و تبدیل شدن به وسیله‌ای برای اوقات فراغت در دسترس از آن جمله‌اند. برخی از دلایل به منافع فرد از داشتن فناوری بازمی‌گردد. علاقه به بازی، راحت‌طلبی، علاقه به شبکه‌های اجتماعی، علاقه به آگاهی از اخبار و وقایع، موضوع رقابت با دوستان و منبع شادی در آن زمره جای می‌گیرند. برخی دلایل نشان‌دهنده وابستگی مفراط به فناوری است. تبدیل شدن فناوری به عضوی از بدن، حس گم کردن چیزی مهم، گره خوردن آینده کاری یا زندگی به فناوری و آرامش‌بخش بودن به دلایل فوق مربوط می‌شوند.

بنابراین، سه دسته از نوجوانان بر اساس دلایل مطرح شده، تفکیک‌پذیرند: (۱) محافظه‌کاران؛ (۲) منفعت‌طلبان؛ (۳) افراط‌گرایان.

یکی از جدی‌ترین مسائل در وابستگی نوجوانان به فناوری‌ها، نگرش‌های افراط‌گرایان است. آن‌ها فناوری را به مثابه «عضو ثانوی» برای بدن خود تلقی می‌کنند. در یکی از اظهارات نوجوانان، فناوری به عینک تشبیه شده بود. همان‌طور که عینک با چشم انسان پیوند خورده و یکی شده است، فناوری نیز به بدن انسان الصاق و ضمیمه شده است. این نگرش عمدتاً در ارتباط با تلفن همراه ملاحظه می‌شود. باور به این عقیده تا جایی است که برخی نوجوانان خودکشی را تنها راه برای برون‌رفت از زندگی بدون فناوری ذکر کرده‌اند که دلالت بر نوعی «خودکشی نمادین» دارد.

گروهی از نوجوانان که با زندگی بدون فناوری کنار می‌آیند، دلایلی از جمله راحت‌تر شدن، عادت کردن، به وجود نیامدن تأثیری خاص و بی‌اهمیت بودن را ذکر کرده‌اند. در این صورت پیامدهای مطلوبی شکل خواهد گرفت. فرصت حضور در زندگی واقعی، بیرون رفتن از خانه، مطالعه جدی‌تر درس‌ها، معاشرت پذیری بیشتر و فاصله گرفتن از اعتیاد به فناوری‌ها را ذکر کرده‌اند. البته شرایطی مانند بودن در خانه‌های غیر آپارتمانی، تک‌فرزند نبودن، پایین بودن مدل فناوری فعلی، داشتن تعداد کمی از فناوری‌ها در وضعیت کنونی و نبود فناوری برای دیگران را باید به دلایل پیوند داد.

بعضی از نوجوانان آگاهانه تفکیک‌هایی مفهومی را درباره وابستگی به فناوری مطرح کردند. نخستین دقت مفهومی به تمایز وابستگی با عادت مربوط می‌شود؛ به گونه‌ای که عادت کردن به معنای وابستگی نیست. دومین دقت مفهومی به تمایز وابستگی با علاقه به آسانی اشاره دارد؛ یعنی علاقه بشر به ابزار تسهیل‌کننده امور به معنای وابسته شدن به آن‌ها نیست. با تقاطعی نگریستن به روابط سه مفهوم وابستگی، عادت و علاقه به آسانی، این ایده شکل می‌گیرد که عادت کردن یا علاقه به آسانی زمینه وابستگی را فراهم می‌آورد و «وابستگی خود-بنیاد» از «وابستگی شرایط-بنیاد» متمایز می‌شود. نوع اول به معنای وابستگی خود-خواسته است و منظور از شرایط در نوع دوم، اقتضائات اجتماعی و فرهنگی و همچنین، مسیر کلان جامعه به سمت فناوری‌هاست.

۶-۲- سنخ یابی روایت والدین

۶-۲-۱- برآمدن کنش کنترل‌گریز؛ ظهور نسل فناورانه؛ مقوله سلاح زبان

والدین به قدرت فناوری‌ها در تسخیر ذهن، روان و رفتار، تسلط بر زندگی و محدود کردن کنشگران اذعان کرده‌اند. این قدرت ممکن است تأثیرات ذهنی و روانی، ایجاد وابستگی و سلب اختیار از انسان را منجر شود. در مجموع، والدین عمدتاً با

رویکردی آسیبی تلاش کرده‌اند تا بر جنبه‌های منفی فناوری‌های جدید بر زندگی اعضای خانواده‌شان تأکید کنند. برخی از والدین فناوری را عاملی برای ایجاد حس راه بودن در فرزند و بالتبع، «کنترل‌گریز» بودن او تلقی کرده‌اند. والدین از «شکاف آگاهی و مهارت فناورانه» میان خود و فرزندشان مطلع هستند. این شکاف می‌تواند به اختلال در نظارت آن‌ها بینجامد. مادران و پدران معتقدند در کنار تبعات فناوری، دستاوردهایی مانند باهوش‌تر شدن، قدرت و توانمندی و حس استقلال عمل و دانش واقعیت‌هایی غیرقابل انکارند. در مجموع، والدین از دوگانه‌های مفهومی جالب‌توجهی در اظهارات خود برای توصیف جایگاه مهارت فناورانه خود و فرزندشان استفاده کرده‌اند. نسل سنتی در برابر نسل مدرن و والدین به‌مثابه کارگر در برابر فرزند به‌مثابه مهندس از آن جمله‌اند.

زمینه‌های بروز تفاوت نسلی به عواملی همچون آزادی مندرج در فضای مجازی، جذابیت فناوری، تبدیل شدن فناوری به هم‌نشین، بارش اطلاعاتی عصر جدید، ترویج فناوری توسط نظام آموزشی و همه‌جایی شدن تلفن همراه مربوط است. عده‌ای قدرت خانواده را برای مقابله با برخی تغییرات جامعه غیرممکن توصیف کردند. به عبارت دیگر، «جبر محیط اجتماعی» که محیط بر خانواده است، سبب مستحیل شدن این نهاد در تغییرات کلان اجتماعی فرهنگی می‌شود. این عدم توازن در قدرت، نسل جدید را ملاً پیشروتر و پیشگام می‌کند. تفاوت‌های بین نسلی که در اظهارات والدین برای نوجوانان مثبت تلقی می‌شود، کم نیستند. مهارت و آگاهی فناورانه، امکان کسب درآمد، ذهن فعال، توانایی انجام هم‌زمان چند فعالیت و زبان انگلیسی بهتر از متداول‌ترین آن ویژگی‌هاست. برخی از والدین ویژگی‌های افراطی مثبتی را نیز برشمرده‌اند که شکست‌ناپذیر بودن یکی از آن‌هاست.

در برخی موارد، والدین اظهار کرده‌اند که باوجود فنی بودنشان (رشته دانشگاهی یا مهارت شغلی)، سطح فرزند خود را بالاتر می‌دانند. مهارت فرزندان از عوامل متعددی سرچشمه می‌گیرد که طیفی از مهارت خودجوش تا مهارت حرفه‌ای آموخته

شده را شامل می‌شود. اقتضای سنی، داشتن وقت، داشتن حوصله، تأثیر دوستان، برنامه‌های مدرسه و تشویق والدین از زمینه‌های مهارت فرزندان است. اختلاف سطح مهارت و آگاهی فناورانه، دستاوردهایی برای فرزندان داشته است. حس دانایی، قدرت، برتری، رضایت از خود، اعتمادبه‌نفس و کاهش وابستگی از آن جمله است. البته تبعاتی همچون عدم تمایل به نظارت شدن، مشارکت‌پذیری کم‌تر، فردگراتر شدن، خود-برترینی یا فخرفروشی بعضی از آن تبعات محسوب می‌شود. سرکوب یا تشویق والدین هم عامل انگیزاننده برای افزایش مهارت فناورانه نوجوان و هم عامل دوری از فناوری بشمار می‌آید.

بیشتر والدین به این موضوع اذعان دارند که به‌موازات افزایش مهارت زبان انگلیسی‌شان، می‌توانند نظارت و کنترل بهتری بر مصرف فناورانه فرزند خود اعمال نمایند. به باور یکی از پدران، «زبان انگلیسی به‌مثابه سلاحی» برای والدین در مواجهه با فناوری‌های جدید است. همچنین بنا به اظهارات، به تقویت مهارت استفاده والدین از فناوری‌ها نیز کمک می‌کند.

«لازمه کار با این ابزار آینه که زبان‌شونو بلد باشی دیگه، آگه بلد نباشی،

خوب، عملاً شما بی‌سلاحی، کاری نمی‌تونن بکنی.» (پدر، منطقه ۳)

۶-۲-۲- چشم‌انداز از فناوری و پیش‌بینی ویژگی‌های نسل بعد؛ پدیده ظهور

نسلی همانند ربات‌ها

والدین مواضع دوگانه‌ای را نسبت به نسل آینده و با توجه به فناوری‌های جدید اتخاذ کرده‌اند: (۱) طرفداران بحران؛ (۲) طرفداران گذار از بحران (موج بازگشت). عمده والدین از گرایش به رویکردی خوش‌بینانه خودداری کرده‌اند، زیرا بر این باورند که مضرات فناوری‌ها روزبه‌روز در حال گسترش است.

والدین دستاوردها و تبعات احتمالی فناوری‌ها را برای نسل بعد مطرح کرده‌اند. باهوشی، مهارت فناورانه، یادگیری خودجوش و پیشرفته‌تر بودن برخی از ویژگی‌های مثبت نسل بعد هستند. محرومیت از خلاقیت، داشتن ذهن‌های ثابت و یکدست، احساساتی، مضطرب، حافظه ضعیف، ظاهربین، به لحاظ درسی ضعیف، دارای حس برتری کاذب، به لحاظ جسمی ضعیف، گستاخ نسبت به والدین، کم‌تر حامی بودن برای والدین، ضعف در ارتباطات و تعاملات رو در رو و رفتارهای نابهنجار بیشتر از جمله تبعات و ویژگی‌های منفی احتمالی برای نسل بعدی است. در اظهارات یکی از والدین، تبدیل شدن نوجوانان آینده به «ربات» قابل توجه بود که هم‌زمان دلالت بر نکات مثبت و منفی دارد.

«این طوری که داره پیش میره، خودشون میشن، چی میگن این

آدم‌آهنیا رو... ربات میشن واقعاً دیگه» (پدر، منطقه ۱۱)

گرایش فرزندان آینده به فناوری کلاً خودخواسته نیست و به شدت متأثر از شبکه‌ای از عوامل یادشده است. به‌عنوان مثال، میان کم شدن تعداد اعضای خانواده، بحران فراغت و تبدیل شدن فناوری به ابزاری ضروری، رابطه‌ای مثبت و هماهنگ وجود دارد. نگرش‌های افراطی و حاد به موضوع نیز در اظهارات به چشم می‌خورد. به‌عنوان مثال، تبدیل شدن خانه به مجموعه‌ای از «سلول‌های انفرادی» یکی از زمینه‌ها تلقی شده است. برخی از والدین از فناوری به‌منزله «پناهگاه» برای نسل بعد خبر داده‌اند و اساساً تبدیل شدن «فناوری به‌عنوان عضوی از خانواده» را محتمل دانسته‌اند. دسته‌ای از والدین بر این باورند که گذار از «مرحله بحران» فناوری‌های جدید در خانواده در حال سپری شدن است و به تدریج «موج بازگشت» از روابط انسان با فناوری به سمت روابط انسان با انسان شکل می‌گیرد. افول اشتیاق نسبت به فناوری‌ها یکی از مهم‌ترین دلایل بشمار می‌آید.

جدول ۴- کلیدی‌ترین مضامین و مفاهیم مندرج در اظهارات والدین درباره پیش‌بینی ویژگی‌های نسل بعدی با توجه به سرعت گسترش فناوری‌ها در خانواده
(واحد تقلیل: عبارت)

۱) دیدگاه‌های معطوف به ویژگی‌های مثبت
باهوش / مهارت و تسلط فناورانه بیشتر / یادگیری خودجوش فناوری / هوشمند شدن مدارس زمینه‌ای برای باهوشی نسل بعدی / دارای علم بیشتر / پیشرفته‌تر بودن
۲) دیدگاه‌های معطوف به ویژگی‌های منفی
نداشتن خلاقیت / دارای ذهن‌های ثابت و یکدست / احساساتی / مضطرب / حافظه ضعیف / ظاهربین / بی‌احترامی کردن بیشتر / کمتر کمک کردن به والدین / ضعف درسی / کم شدن تعاملات اجتماعی‌شان / کم شدن ارتباطات رو در رو / وقیح شدن در مقابل والدین / حس برتری کاذب نسبت به والدین / بیشتر شدن فاصله آن‌ها با جمع / متأثر شدن از فرهنگ غرب / پذیرش فناوری به‌عنوان امری محتوم و ضروری برای رشد / ضعف سلامت جسمی / افزایش رفتارهای ناهنجار / تلقی فرزند از فناوری به‌عنوان عضوی از خانواده به دلیل کاسته شدن از بُعد خانواده / تبدیل شدن فناوری به یک پناهگاه برای فرزند / وابستگی شدید به فناوری / تبدیل شدن به ربات و آدم‌آهنی
۳) دیدگاه‌های کلی معطوف به رابطه فناوری‌ها با نسل بعدی
ایجاد موج بازگشت از فناوری / افول اشتیاق نسبت به فناوری / ضرورت چاره‌اندیشی برای تنهایی و اوقات فراغت نوجوانان / تبدیل شدن خانه به مجموعه‌ای از سلول‌های انفرادی / سپری شدن مرحله بحرانی / پارادوکس فناوری در مواجهه کردن فرد با انبوه اطلاعات و نیفزودن به علم

جدول ۵- مقوله‌بندی اظهارات والدین درباره پیش‌بینی ویژگی‌های نسل بعدی با توجه به سرعت گسترش فناوری‌ها در خانواده

مضمین کلیدی	مقوله
باهوش / دارای مهارت فناورانه / توانا در یادگیری خودجوش فناوری / دارای علم بیشتر / پیشرفته‌تر	ویژگی‌های مثبت
هوشمند شدن مدارس / پیشرفت بیشتر / سپری شدن مرحله بحران فاقد خلاقیت / دارای ذهن‌های ثابت و یکدست / احساساتی / مضطرب / حافظه ضعیف / ظاهر بین / ضعف درسی / حس برتری / کاذب / ضعف سلامت جسمی / تبدیل شدن به ربات	زمینه ویژگی‌های مثبت
گستاخ نسبت به والدین / کم‌تر کمک کردن به والدین / تعاملات اجتماعی کم / ارتباطات رو در روی کم / فاصله بیشتر با جمع / افزایش رفتارهای ناهنجار	ویژگی‌های منفی فردی
فرهنگ غرب / پذیرش فناوری به‌عنوان امری ضروری برای رشد / تلقی از فناوری به‌عنوان عضوی از خانواده / کاسته شدن از بُعد خانواده / تلقی از فناوری به یک پناهگاه / وابستگی شدید / تنهایی فرزند / عدم چاره‌اندیشی برای اوقات فراغت / تبدیل شدن خانه به مجموعه‌ای از سلول‌های انفرادی / مواجه شدن با انبوه اطلاعات و نه علم (پارادوکس فناوری)	زمینه‌های ویژگی‌های منفی
ایجاد موج بازگشت / افول اشتیاق به فناوری	خوش‌بینی‌ها

۶-۲-۳- سه‌گانه واقع‌بینان، بدبینان، خوش‌بینان؛ فناوری به‌منزله خوراک و

عنصری از خون؛ پدیده جنون و خودکشی نمادین

والدین خود را کم‌تر از فرزندان به فناوری‌های جدید وابسته می‌دانند. در کل، سه گروه از والدین شناسایی پذیرند: (۱) واقع‌بینان که تغییرات منفی و مثبت را هم‌زمان در

نظر می‌گیرند و معایب و مزایا را در اظهارات خود می‌سنجند؛ ۲) بدبینان که عمدتاً بر جدایی‌ناپذیری فناوری از فرزند یا خودشان تأکید می‌کنند و بر تبعات تصور زندگی بدون فناوری اصرار دارند؛ ۳) خوش‌بینان که پیامدهای مطلوب فقدان فناوری را برجسته می‌کنند. در یک نتیجه کلی، دو دسته اخیر دو قطب مخالف هستند و دسته اول بین این دو قرار دارند. کثرت والدین در رویکرد واقع‌بینان بیشتر است.

در اظهارات والدین، شدت وابستگی به فناوری‌های جدید با اصطلاحات قابل‌تأملی بیان شده است. فناوری به‌منزله «خوراکی روزانه» و ضروری یا «عنصری از خون» برای حیات انسان از جمله آن موارد است. این تعبیر بر جدایی‌ناپذیر بودن فناوری از زیست اجتماعی و زندگی خانوادگی دلالت دارند. در مجموع، والدین تصور زندگی بدون فناوری را باعث شکل‌گیری تغییراتی مهم می‌دانند. افزایش صمیمیت اعضای خانواده یا تمایل به بیرون آمدن از خانه از تغییرات مثبت بشمار می‌آید. شکل‌گیری ناهنجاری اجتماعی یا از دست رفتن بخشی از هویت افراد نیز تغییراتی منفی هستند. نگرش‌های افراطی نیز در مطالب والدین وجود دارد که ایجاد «جنون و خودکشی» دو نمونه از آن‌هاست. این دو مورد خصلتی «نمادین» دارند و شدت یا عمق فاجعه را توصیف می‌کنند.

فقدان فناوری برای والدین شامل تصور از دست دادن چیزی، افسردگی و از دست دادن سرگرمی اظهارشده است. در مقابل، پیامدهای مطلوبی دال بر ایجاد خوشحالی به دلیل بی‌اهمیتی فناوری، ایجاد نشدن تغییری خاص و رسیدگی به همسر و امور خانه محتمل خواهد بود. فقدان فناوری برای فرزندان نوجوان نیز گوناگون است. عصبی شدن، پرخاشگری، افسردگی، آرام و قرار نداشتن، بی‌اخلاقی، اضطراب، پیدا کردن حالت مرض گونه، ناراحتی، بی‌حوصلگی، تصور از دست دادن چیزی ارزشمند و بحران اوقات فراغت از آن جمله‌اند.

بحث و نتیجه

در بازگشت به مسئله مرکزی پژوهش و در پرتو بینش نظری، مهم‌ترین دستاوردهای اکتشافی و تحلیلی مقاله عبارت‌اند از:

الف) ناهمسانی نسلی در تجربه و درک عاملیت انسانی یا فناورانه: پدیده

هم‌گرایی کنشی فناوری با نسل جدید

فرزندان نوجوان و والدین‌شان سطح انطباق‌پذیری یکسانی با پدیده تلفیق عاملیت با فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی ندارند. علی‌الاصول نسل قدیمی نسبت به تغییرات جامعه محافظه‌کارتر و نسل جدید پذیراتر است. برای برخی از والدین نوعی بیگانگی نسبت به کارکردهای اجتماعی، سرگرمی، آموزشی یا مهارتی فناوری‌های جدید وجود دارد. در مقابل، نسل جدید هم‌نوازی بیشتری با این پدیده از خود نشان می‌دهد. ادغام اجتماعی فرزندان با فناوری در خانه به آن‌ها این امتیاز را می‌دهد تا برخی محدودیت‌ها را جبران کنند. این وسایل ساخت‌دهندگان انعطاف‌پذیری‌اند که راه را برای فرصت‌ها ایجاد یا مسدود می‌کنند؛ ساخت‌دهنده‌اند، زیرا تغییراتی را در روابط و مناسبات والد-فرزند پدید می‌آورند و منعطف هستند، به این دلیل که خانواده‌ها می‌توانند در رویارویی با آن‌ها واکنش داشته باشند.

فناوری‌های نوین منحصر به یک گروه از عاملان اجتماعی نیست. عصر جدید دائماً کنشگران را در وضعیت مهارت‌یابی و سازگاری مجدد قرار می‌دهد و امکاناتی را در اختیار آنان قرار می‌دهد. بنابراین، سهم والدین در امکان بهره‌گیری از فناوری‌های جدید محفوظ است، اما چنین به نظر می‌رسد که پدیده تلفیق با فناوری برای ایشان تقریباً دور از نظر است. باوجود این که موج خانگی شدن فناوری‌های جدید برخی (و نه تمام) مرزهای ثابت در تحلیل‌های جامعه‌شناسانه را کم‌رنگ کرده است، اما متغیر

سن اهمیت بیشتری دارد. فرزند نوجوان به اقتضای شرایط سنی‌اش، بیشتر در پی «سازگاری» با اقتضات عصر فناوری‌های جدید است.

مطلب اخیر به ایده ویلیام داتن مبنی بر ضرورت فهم فناوری‌ها به‌طور هم‌زمان در ایجاد و بستن‌ها فرصت‌ها یا اختصاصات اجتماعی به کنشگران نزدیک است؛ با این ملاحظه که ظرفیت اجتماعی دگرگون‌سازی کنش در نسل جدید برای هم‌گرایی با امتیازات محول از فناوری به انسان بیشتر است.

ب) متغیرهای دخیل در تحدید یا بسط دامنه تلفیق کنشگری: عدم غلبه رویکرد جبرانگارانه

فناوری به‌عنوان محرکی برای برون‌افکنی برخی مقاصد عمل می‌کند؛ درعین‌حال، انگیزه کنش نیز به‌حساب می‌آید. علاوه بر ادغام فرزند در روابط کنش، هم‌زمان، یکی دیگر از ویژگی‌های فناوری در جریان است که به مسئله انفعال کنش مربوط می‌شود. همان‌طور که تلاقی اراده کنشگر با ساختار تسهیل‌کننده فناوری می‌تواند پیامدهای مثبتی داشته باشد، تلاقی شخصیت مصرفی و لذت‌گرای نوجوان با ساختار محدودکننده فناوری ممکن است از نشاط و پویایی کنش بکاهد و به انزوا منجر شود. باید توجه داشت که کنش فرزند در چارچوب وسیع‌تری از تغییرات، نیازها یا فشارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. در این عرصه، تمام نوجوانان مهارت لازم در بهره‌برداری از ظرفیت امتیازات را ندارند. بنابراین، تلفیق عاملیت نوجوان با فناوری توسط برخی متغیرهای محیط پیرامون کنترل می‌شود.

این باور والدین که فناوری به‌منزله خوراکی روزانه و عنصری از خون برای نوجوانان شده است، شامل تمامی فرزندان نوجوان نیست؛ اگرچه عده‌ای از بچه‌ها به سبب وابستگی زیاد، فناوری را عضوی از بدنشان می‌پندارند. فقدان فناوری در نگرش‌های افراطی هم در میان والدین و هم در میان نوجوانان به پدیده خودکشی

نمادین تشبیه شده است. البته بیشتر نوجوانان مهارت فوق‌العاده‌ای را برای خود قائل نیستند. بنابراین، نوعی درهم‌تنیدگی «آزادی-وابستگی» در رابطه فرزندان با فناوری ملاحظه می‌شود، اما وابستگی به معنای افراطی آن؛ یعنی اسارت در زنجیر فناوری نیست. تعدادی از نوجوانان فناوری را وسیله‌ای برای پوشاندن نقایص احتمالی‌شان؛ یعنی ابزاری برای خود-یاری تلقی کرده‌اند. «قدرت محول» از فناوری‌ها توانمندسازی را در اختیار فرد قرار می‌دهد. پس، ایده تلفیق عاملیت انسان با فناوری برای نوجوانان تحت تأثیر باورها، نگرش‌ها و ویژگی‌های شخصیتی نیز قرار دارد. این رویکرد جامعه‌شناسانه نشان می‌دهد که بستر ایده پیوند کنشگری، عمدتاً در محیط خانه شکل گرفته، محدود می‌شود یا جهت می‌یابد. به عبارت دیگر، ایده یادشده در چارچوبی از مناسبات والد-فرزندی قرار می‌گیرد.

در این جهان اجتماعی آکنده از فناوری تحقق یکی از دو نگرش ضد انسان‌گرایی و ایده‌آل بودن جامعه سایبرنتیک (که در آرای نوربرت واینر منعکس شده‌اند)، از واقعیت روایت‌های نوجوانان و والدین فاصله دارد و با در نظر گرفتن ملاحظات اجتماعی مربوط به نهاد خانواده ایرانی تعدیل می‌شود.

ج) حرکت به سمت ایده «نمایش قدرت»: نقش محیط رسانه‌ای واسط در

توسعه چشم‌انداز انسان‌شناسی جدید در جامعه اطلاعاتی ایران

اساساً فرض مبتنی بر نقش مستقل فناوری‌های جدید که دوگانه والد-سالاری یا فرزند-سالاری را کنار زده و حالتی از «شیء-سالاری» (فناوری) را شکل دهد؛ منتفی است. مهم‌ترین دلیل بر این ادعا، به ماهیت «شیء-انسان-واره» فناوری‌های جدید بازمی‌گردد. پس، اگر سطوحی از تلفیق عاملیت با فناوری را در نظر بگیریم، «عاملیت تبعی» که عمدتاً ناظر به تصمیم‌کنشگر است، به واقعیت زندگی اجتماعی عاملان نزدیک‌تر خواهد بود. یکی از مضامین کلیدی در تحلیل مسئله و امکان تلفیق عاملیت عبارت از ایده «فناوری به‌مثابه منبع قدرت» برای نوجوانان است. واکاوی اظهارات و

روایت‌های نوجوانان و والدین در این پژوهش نشان می‌دهد که این قدرت به طیفی از دلایل به‌ویژه توانمندسازی، الگوبرداری، وابستگی، عادت یا تمایل به آسایش و راحتی مربوط می‌شود. این نگرش افراطی که نوجوان به شخصیتی سرسخت یا بی‌عاطفه تبدیل می‌شود، دور از واقعیت است.

بنا بر آنچه گفته شد، فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید سبب انتشار قدرت و کثرت منابع قدرت در خانواده شده‌اند. برای فرزندان نوجوان، مهارت فناورانه به یک مهارت اجتماعی تبدیل شده است، زیرا ممکن است او را به یک کارشناس یا «مهندس کوچک» در خانه و میان اطرافیان تبدیل کند. فناوری می‌تواند بخشی از کنش‌های مورد علاقه فرد که در زندگی واقعی مجالی برای بروز نداشته‌اند، را آشکار کند؛ مانند توانایی‌های نهفته یا زیرینی که با تحریک فناوری‌ها فعال می‌شوند. این مکانیزم برای نوجوان لذت‌بخش، هویت‌ساز و توأم با حس قدرت است. در این تصویر ذهنی، فناوری به مثابه یک «محیط واسط» در مناسبات کنش ایفای نقش می‌کند. از این رو، نوعی «انسان‌شناسی جدید» در فهم کنش نوجوانان به دلیل اتصال به ابزارها و فناوری‌های جدید شکل می‌گیرد که بر سطحی از ادغام کنشگر با فناوری‌های نوظهور دلالت دارد. در این چشم‌انداز، توجه به مفهوم «نمایش قدرت» حائز اهمیت است. پس سطح و درجه‌ای از انگاره سایبرگ (که توسط دونا هاراوی بسط یافت)، در پیوستگی کنشگری انسان و فناوری مطرح می‌شود که باید آن را حول مفهوم تمایل به ارائه قدرت در کنش روزمره (برای عاملان نوجوانان) مفصل‌بندی و جانمایی کرد.

منابع

— استراوس، انسلم و کربین، جولیت. (۱۳۹۲). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نی.

- استیونسن، نیک. (۱۳۸۴). «رسانه‌های جدید و جامعه اطلاعاتی». ترجمه: پیروز ایزدی. رسانه، شماره ۶۲.
- برتون، فیلیپ. (۱۳۸۲). آیین اینترنت. ترجمه: علی اصغر سرحدی و همکار. تهران: امیرکبیر.
- بهرامی کمیل، نظام. (۱۳۹۱). نظریه رسانه‌ها: جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: کویر.
- بیات، قدسی؛ شهابی، محمود. (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و کاربران جوان؛ از تداوم زندگی واقعی تا تجربه جهان‌وطنی». مجلس و راهبرد، شماره ۶۹.
- داتن، ویلیام. (۱۳۸۴). دگرگونی‌های اجتماعی در یک جامعه اطلاعاتی. ترجمه: محمد توکل و ابراهیم کاظمی پور. تهران: کمیسیون ملی یونسکو.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۶). فرهنگ مطالعات جوانان. تهران: آگه.
- ذکایی، محمد سعید؛ ولی‌زاده، وحید. (۱۳۸۸). «فرهنگ جوانان و تلفن همراه». تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۷.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. ترجمه: شهناز مسمی‌پرست. تهران: ثالث.
- عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۶). مناسبات قدرت میان والدین و فرزندان در خانواده با توجه به نقش و تأثیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی (ICTs). رساله دکتری تخصصی، رشته جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه تهران.
- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۵). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. ترجمه: احد علی‌قلیان و افشین خاک‌باز. جلد ۳ (پایان هزاره). تهران: طرح نو.
- لادیر، ژان. (۱۳۸۰). رویارویی علم و تکنولوژی با فرهنگ‌ها. ترجمه: پروانه سپرده. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: دیدار.

واکاوی مختصات تلفیق عاملیت نوجوانان و ... ۱۷۹

- منتظر قائم، مهدی و شاقاسمی، مهدی. (۱۳۸۷). «اینترنت و تغییر اجتماعی در ایران: نگاهی فرا تحلیلی با تأکید بر جوانان». *جامعه‌شناسی ایران*، شماره‌های ۳ و ۴.
- میدوز، جک. (۱۳۸۳). *شناخت اطلاعات*. ترجمه: محمد خندان و مهدی محامی. تهران: کتابدار.
- وبستر، فرانک. (۱۳۹۰). *نظریه‌های جامعه اطلاعات*. ترجمه: اسماعیل قدیمی. تهران: امیرکبیر.
- هنسون، جریس و نارولا، اوما. (۱۳۸۱). *تکنولوژی‌های جدید ارتباطی در کشورهای در حال توسعه*. ترجمه: داوود حیدری. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- Allison, Sh. (2013). "Youth & the (Potential) Power of Social Media". *Youth Studies Australia*, 32(3), pp69-73.
- Bakardjieva, M. (2005). *Internet Society: The Internet in Everyday Life*. London: Sage.
- Buckingham, D. & et al. (2008). *Youth, Identity & Digital Media*. Cambridge: MIT.
- Callon, M. (1986). "The Sociology of an Actor-Network: The Case of the Electric Vehicle". in: Callon, M. & et al. *Mapping the Dynamics of Science & Technology: Sociology of Science in Real World*. London: MacMillan, pp19-34.
- Castells, M. & et al. (2007). *Mobile Communication & Society: A Global Perspective*. US: MIT.
- Cavanagh, A. (2007). *Sociology in the Age of the Internet*. England: Open University.

- Choi, Y. S. & L. Ross (2006). "Policy & Power: The Impact of the Internet on the Younger Generation in South Korea". *Social Policy & Society*, 5(3), pp421-429.
- Daly, K. J. (2007). *Qualitative Methods for Family Studies & Human Development*. London: Sage.
- Ellul, J. (1964). *The Technological Society*. New York: Vantage Books.
- Flores, F. (1998). "Information Technology & the Institution of Identity Reflections". *Understanding Computer & Cognition*, 11(9), pp351-372.
- Haraway, D. (1991). *Simians, Cyborgs, & Women: The Reinvention of Nature*. New York: Routledge.
- Hertlein, K. M. (2012). "Digital Dwelling: Technology in Couple & Family Relationships". *Family Relations*, 61, pp374-387.
- Lister, M. & et al. (2003). *New Media: A Critical Introduction*. London & New York: Routledge.
- Latour, B. (1999). *Science in Action: How to Follow Scientists & Engineers Through Society*. US: Harvard University
- Livingstone, S. (2002). *Young People & New Media*. London: Sage.
- Mumford, L. (2010). *Technics & Civilization*. Chicago: The University of Chicago.
- Prensky, M. (2001). "Digital Natives, Digital Immigrants". Part 1. *On the Horizon*, 9, pp1-6.
- Virilio, P. & Kittler, F. (1999). "The Information Bomb: Paul Virilio & Friedrich in Conversation". *Angelaki: Journal of the Theoretical Humanities*, 4(2), pp81-90.
- Williams, R. (1983). *Towards 2000*. London: Chatto & Windus.
- <http://atlas.tehran.ir>. (acceded in 2016 July)
- <http://tmicto.tehran.ir/Portals/0/Document/Amarname/AmarShahr93/index.html>. (acceded in 2016 July)